

به نام یزدان پاک

همه سوال های

دکترای تخصصی (Ph.D)

جغرافیای سیاسی

(جلد ۴)

۱۳۹۶-۱۳۹۸

تهیه کنندگان

گروه مولفین

## فهرست مطالب

پیش گفتار.....	۵
<b>آزمون دکترای علوم جغرافیایی - جغرافیای سیاسی ۱۳۹۶</b>	
روش تحقیق در جغرافیا .....	۱۲۳
پاسخ نامه روش تحقیق در جغرافیا .....	۱۲۵
جغرافیای سیاسی (مبانی و ایران) .....	۱۳۳
پاسخ نامه جغرافیای سیاسی (مبانی و ایران) .....	۱۳۴
اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک .....	۱۴۴
پاسخ نامه اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک .....	۱۴۶
نظریه های جغرافیای سیاسی .....	۱۵۶
پاسخ نامه نظریه های جغرافیای سیاسی .....	۱۵۸
<b>آزمون دکترای علوم جغرافیایی - جغرافیای سیاسی ۱۳۹۷</b>	
روش تحقیق در جغرافیا .....	۱۷۱
پاسخ نامه روش تحقیق در جغرافیا .....	۱۷۳
جغرافیای سیاسی (مبانی و ایران) .....	۱۸۶
پاسخ نامه جغرافیای سیاسی (مبانی و ایران) .....	۱۸۸
اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک .....	۲۰۱
پاسخ نامه اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک .....	۲۰۳
نظریه های جغرافیای سیاسی .....	۲۱۴
پاسخ نامه نظریه های جغرافیای سیاسی .....	۲۱۵
<b>آزمون دکترای علوم جغرافیایی - جغرافیای سیاسی ۱۳۹۸</b>	
روش تحقیق در جغرافیا .....	۲۲۵
پاسخ نامه روش تحقیق در جغرافیا .....	۲۲۷
جغرافیای سیاسی (مبانی و ایران) .....	۲۳۷
پاسخ نامه جغرافیای سیاسی (مبانی و ایران) .....	۲۳۹
اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک .....	۲۵۱
پاسخ نامه اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک .....	۲۵۳
نظریه های جغرافیای سیاسی .....	۲۶۳
پاسخ نامه نظریه های جغرافیای سیاسی .....	۲۶۵
منابع.....	۲۷۸



۲۴۱. نام نظریه «آن روبرت زاک تورگو» به‌عنوان مبدع و پیشگام جغرافیای سیاسی، چیست؟  
 (۱) رشد ملت‌ها  
 (۲) تحلیل نظام‌های سیاسی  
 (۳) چرخه تحول حکومت  
 (۴) پیشرفت مرحله‌ای توسعه انسانی
۲۴۲. نظریه «نظام‌های جهانی» پیتر تایلور در جغرافیای سیاسی چه چیزی را مدنظر قرار می‌دهد؟  
 (۱) نیروهای محلی به‌عنوان بخشی از نظام بهم پیوسته جهانی  
 (۲) نیروهای ملی به‌عنوان شکل‌دهنده به نظام جهانی  
 (۳) ساختار سه‌وجهی مرکز، پیرامون و نیمه‌پیرامون  
 (۴) نظام جهانی به‌عنوان تجلی نظام سلطه
۲۴۳. نظریه «دینامیسم فضایی - سیاسی» چه چیزی را مورد تاکید قرار می‌دهد؟  
 (۱) رابطه ایدئولوژی، سیاست و فضا  
 (۲) رابطه دیالکتیکی جامعه و سیاست  
 (۳) تکامل اندیشه سیاسی کشور  
 (۴) تکامل فضای جغرافیایی
۲۴۴. پایین‌ترین لایه تصمیمات فضایی سطح زمین که در آن عوامل ساختاری و کارکردی، دارای وحدت و تجانس بوده و از هویتی یگانه و تجزیه‌ناپذیر برخوردار است، با کدام اصطلاح همخوان است؟  
 (۱) قلمرو مکانی  
 (۲) ناحیه جغرافیایی  
 (۳) ناحیه فرهنگی  
 (۴) قلمرو فرهنگی
۲۴۵. «چرخه‌های کندراتیف» در چارچوب کدام نظریه مطرح شده است؟  
 (۱) نظریه وابستگی  
 (۲) نظریه میدان متحد  
 (۳) نظریه نظام‌های جهانی  
 (۴) نظریه دولت رفاه
۲۴۶. کدام نظریه ژان گاتمن در ارتباط با بخش شمال شرقی ایالات متحده ارایه شد؟  
 (۱) نظریه آیکونوگرافی  
 (۲) نظریه مگالوپولیس  
 (۳) نظریه سیوکولاسیون  
 (۴) نظریه سرزمین‌های حاشیه‌ای
۲۴۷. کدام نوع از جغرافیا، متمرکز بر مسایل مربوط به تامین بودجه حزب و معاملات پنهانی است؟  
 (۱) جغرافیای حمایت  
 (۲) جغرافیای رفتاری  
 (۳) جغرافیای قدرت  
 (۴) جغرافیای انتخابات
۲۴۸. کدام جنبش، بسیاری از عناصر جغرافیای سیاسی همچون طبقه، منازعه، حکومت، دارایی و زمین را دربر می‌گرفت؟  
 (۱) دولت صنعتی  
 (۲) حصارکشی پارلمانی  
 (۳) دفاع از تابعیت  
 (۴) سرمایه‌داری صنعتی
۲۴۹. کدام نظریه، شهروندان را مجبور می‌کند در به رسمیت شناختن اقتدار حکومت، از بخشی از آزادی خود چشم‌پوشی کنند؟  
 (۱) نظریه نظام طبیعی  
 (۲) نظریه حق الهی  
 (۳) نظریه میدان متحد  
 (۴) نظریه قرارداد
۲۵۰. اولین عامل مستقیم در پیوند میان هویت فضایی و فرهنگی به لحاظ جغرافیایی کدام است؟  
 (۱) مشارکت دموکراتیک  
 (۲) همکاری و مساعدت متقابل  
 (۳) ویژگی‌ها و ارزش‌های مشترک مکانی  
 (۴) ادراک هویت فضایی
۲۵۱. اولین نقشی که جغرافیدانان در رابطه با حکومت دارند، کدام نقش است؟  
 (۱) مطالعه و پژوهش  
 (۲) اجرای و سیستمی  
 (۳) منتقد حاکمیت  
 (۴) سیاست‌گذار و کارگزار حکومت
۲۵۲. در کدام الگوی نظام سیاسی، دولت‌ها و نهادهای محلی تحت نظارت و کنترل قرار می‌گیرند و نقش آفرینی آنها تعریف شده و کنترل شده است؟  
 (۱) نظام سیاسی تک‌ساخت  
 (۲) نظام سیاسی خودمختار  
 (۳) نظام سیاسی دولت محلی  
 (۴) نظام سیاسی فدرال
۲۵۳. در دوران جنگ سرد، قلمروهای ژئواستراتژیک بر اساس کدام اهداف تعیین می‌شد؟  
 (۱) اهداف اتمی  
 (۲) اهداف اقتصادی  
 (۳) اهداف نظامی  
 (۴) اهداف استعماری
۲۵۴. جغرافیدانان کدام کشور از گرایش شدید فردریک راتزل به مسایل سیاسی و آثار گسترده آن بر جغرافیا ناراضی بودند؟  
 (۱) فرانسه  
 (۲) آلمان  
 (۳) انگلستان  
 (۴) روسیه
۲۵۵. تعریف جغرافیای سیاسی به‌عنوان «تحلیل سیستم‌های درگیری گروهی و طبقه‌ای در بستر زمان و فضا» بیانگر کدام رویکرد است؟  
 (۱) جبرگرایی  
 (۲) لیبرالیستی  
 (۳) ساختاری  
 (۴) مارکسیستی
۲۵۶. با توجه به نظریه وابستگی، دیوید اسلیتر کدام مورد را درباره دلایل توسعه نیافتگی جهان سوم، مهم و بنیادین می‌داند؟  
 (۱) بعد ملی  
 (۲) بعد بین‌المللی  
 (۳) حیات اجتماعی  
 (۴) حیات اقتصادی
۲۵۷. از دیدگاه جانستون، کدام مورد جزو کارکردهای حکومت مدرن است؟  
 (۱) حکومت نیروی پیونددهنده  
 (۲) حکومت نهاد آموزش‌دهنده  
 (۳) حکومت مقام ارتباطات خارجی  
 (۴) حکومت سازمان اداری و اجرایی

۲۵۸. نظریه منطقه هسته «پاندز و بال» ناظر بر کدام مفهوم است؟

- (۱) منطقه‌ای که از نظر سیاسی و حکومتی مورد توجه است.
- (۲) منطقه‌ای که از نظر جمعیتی دارای شرایط مساعد و مناسب است و رشد سرزمین در اطراف آن انجام می‌شود.
- (۳) منطقه‌ای که از نظر محیطی دارای شرایط مساعد و مناسب است و رشد سرزمین در اطراف آن انجام می‌شود.
- (۴) منطقه‌ای که از نظر اقتصادی دارای پتانسیل‌های رشد است.

۲۵۹. بیشترین نظریه‌های جغرافیای سیاسی در چارچوب کدام مکتب معرفت‌شناسی این رشته قرار می‌گیرند؟

- (۱) محیطی
- (۲) فضایی
- (۳) انتقادی
- (۴) ناحیه‌ای

۲۶۰. نظریه «یونیفاید فیلد» یا میدان متحد از استفن جونز برگرفته از آراء کدام جغرافیدانان است؟

- (۱) درونت ویتلسی - ریچارد هارتشورن
- (۲) درونت ویتلسی، ریچارد هارتشورن و ژان گاتمن
- (۳) درونت ویتلسی - ژان گاتمن
- (۴) درونت ویتلسی و فردریک راتزل و ریچارد هارتشورن



۲۴۱. گزینه ۴)

• معرفی نظریه:

- آن روبرت ژاک تورگو، فیلسوف و سیاستمدار فرانسوی قرن هجدهم، به عنوان پدر علم جغرافیای سیاسی شناخته می‌شود.
- او در طرحی برای کتابی با عنوان "جغرافیای سیاسی" (۱۷۵۱)، ایده تکامل جوامع انسانی را از طریق مراحل مختلف توسعه، از جوامع شکارچی-گردآورنده تا امپراتوری‌های قدرتمند، مطرح کرد.
- تورگو معتقد بود که عوامل جغرافیایی مانند آب و هوا، زمین و منابع طبیعی، نقش مهمی در شکل‌گیری ساختارهای سیاسی و اجتماعی جوامع ایفا می‌کنند.
- او بر این باور بود که جوامع با گذر زمان، از طریق توسعه کشاورزی، تجارت و صنعت، تکامل می‌یابند و این امر منجر به تغییرات در ساختارهای سیاسی آنها می‌شود.

• تطابق با مفاهیم کلیدی جغرافیای سیاسی:

- نظریه تورگو با مفاهیم کلیدی جغرافیای سیاسی مانند رابطه بین انسان و محیط، قدرت، قلمرو و مرز همخوانی دارد.
- تأکید او بر تکامل تدریجی جوامع، به درک چگونگی تغییر ساختارهای سیاسی در طول زمان کمک می‌کند.
- ایده‌های تورگو در مورد نقش عوامل جغرافیایی در شکل‌گیری جوامع، مبنای بسیاری از نظریه‌های مدرن جغرافیای سیاسی را تشکیل می‌دهد.

دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

(۱) رشد ملت‌ها:

- این مفهوم به طور خاص به ظهور دولت‌های ملی در دوران مدرن اروپا اشاره دارد، در حالی که نظریه تورگو بر تکامل کلی جوامع انسانی در طول تاریخ تمرکز دارد.

(۲) تحلیل نظام‌های سیاسی:

- این عبارت دامنه وسیع‌تری دارد و به بررسی انواع مختلف نظام‌های سیاسی و عملکرد آنها می‌پردازد، در حالی که نظریه تورگو بر تکامل جوامع در طول زمان تمرکز دارد.

(۳) چرخه تحول حکومت:

- این مفهوم بر تغییر و تحولات ناگهانی در ساختارهای سیاسی، مانند انقلاب‌ها، تمرکز دارد، در حالی که نظریه تورگو بر تکامل تدریجی جوامع از طریق مراحل مختلف توسعه تأکید می‌کند.

۲۴۲. گزینه ۱)

دلایل صحت گزینه ۱:

- تمرکز بر تعاملات: نظریه نظام‌های جهانی پیتر تیلور بر تعاملات پیچیده بین بازیگران در سطوح مختلف، از جمله محلی، ملی و جهانی تأکید دارد.
- نقش آژانس: این نظریه نقش آژانس یا توانایی کنشگری را برای بازیگران محلی در شکل‌دهی به فرآیندهای جهانی به رسمیت می‌شناسد.
- فراتر رفتن از دوگانگی مرکز-پیرامون: تیلور از دوگانگی ساده مرکز-پیرامون که در برخی از نظریه‌های نظام جهانی رایج است، فراتر می‌رود و به روابط پیچیده و سیال بین مکان‌های مختلف در سراسر جهان توجه می‌کند.
- تطابق با مفاهیم کلیدی جغرافیای سیاسی:

- نظریه تیلور با مفاهیم کلیدی جغرافیای سیاسی مانند مقیاس، فضا، قدرت و جهانی شدن همخوانی دارد.

- تأکید او بر تعاملات به درک چگونگی شکل‌گیری فرآیندهای سیاسی در سطوح مختلف کمک می‌کند.

- توجه تیلور به نقش آژانس محلی چالش‌هایی را که نظریه‌های سنتی در مورد روابط قدرت جهانی مطرح می‌کنند، به چالش می‌کشد.

دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

(۲) نیروهای ملی به‌عنوان شکل‌دهنده به نظام جهانی:

- این گزینه نقش بازیگران غیرمللی را نادیده می‌گیرد و به قدرت دولت-ملت‌ها بیش از حد تأکید می‌کند.

(۳) ساختار سه‌وجهی مرکز، پیرامون و نیمه‌پیرامون:

- این گزینه تقسیم‌بندی بیش از حد ساده از نظام جهانی را ارائه می‌دهد و پیچیدگی روابط بین مکان‌های مختلف را در نظر نمی‌گیرد.

- (۴) نظام جهانی به‌عنوان تجلی نظام سلطه:
  - این گزینه تمرکز بیش از حد بر جنبه‌های منفی نظام جهانی دارد و فرصت‌ها و پویایی‌های موجود در آن را نادیده می‌گیرد.
- ۲۴۳. گزینه ۴)
  - دلائل صحت گزینه ۴:
  - مفهوم کلیدی: نظریه دینامیسم فضایی-سیاسی بر رابطه دیالکتیکی بین فضای جغرافیایی و سیاست تأکید دارد. این نظریه بیان می‌کند که فضا صرفاً یک ظرف خنثی برای فعالیت‌های سیاسی نیست، بلکه نقشی فعال در شکل‌گیری و بازتولید فرآیندهای سیاسی ایفا می‌کند.
  - تکامل متقابل: فضای جغرافیایی و سیاست در یک فرآیند پویا و دائمی بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و تکامل می‌یابند. به عنوان مثال، مرزهای سیاسی می‌توانند بر هویت‌های فرهنگی و الگوهای سکونت‌گاهی تأثیر بگذارند و در مقابل، جنبش‌های اجتماعی و تغییرات جمعیتی می‌توانند منجر به تغییر مرزها یا بازتعریف فضاهای سیاسی شوند.
  - مقیاس‌های مختلف: این نظریه در مقیاس‌های مختلف قابل بررسی است، از سطح محلی تا بین‌المللی. به عنوان مثال، می‌توان از آن برای تحلیل چگونگی شکل‌گیری محله‌ها توسط ساختارهای قدرت محلی یا بررسی تأثیر جهانی شدن بر مرزهای ملی استفاده کرد.
  - تطابق با مفاهیم کلیدی جغرافیای سیاسی:
  - دینامیسم فضایی-سیاسی با مفاهیم کلیدی جغرافیای سیاسی مانند مقیاس، فضا، قدرت، مرز و قلمرو همخوانی دارد.
  - تأکید این نظریه بر رابطه دیالکتیکی بین فضا و سیاست، به درک چگونگی پویایی و پیچیدگی پدیده‌های سیاسی در مکان‌های مختلف کمک می‌کند.
  - دینامیسم فضایی-سیاسی به پرسش‌های مهمی در مورد چگونگی تأثیرگذاری فضا بر قدرت و نحوه اعمال قدرت بر فضا می‌پردازد.
  - دلائل نادرستی سایر گزینه‌ها:
  - (۱) رابطه ایدئولوژی، سیاست و فضا:
    - این گزینه فقط به یکی از جنبه‌های دینامیسم فضایی-سیاسی اشاره دارد و نقش فعال فضا را در نظر نمی‌گیرد.
  - (۲) رابطه دیالکتیکی جامعه و سیاست:
    - این گزینه موضوع را به درستی بیان نمی‌کند، زیرا دینامیسم فضایی-سیاسی بر رابطه بین فضا و سیاست تمرکز دارد، نه جامعه و سیاست.
  - (۳) تکامل اندیشه سیاسی کشور:
    - این گزینه مقیاس دینامیسم فضایی-سیاسی را محدود می‌کند و به تغییرات در سطح ملی می‌پردازد، در حالی که این نظریه در مقیاس‌های مختلف قابل بررسی است.
- ۲۴۴. گزینه ۲)
  - دلائل صحت گزینه ۲:
  - تعریف ناحیه جغرافیایی: ناحیه جغرافیایی به فضایی اطلاق می‌شود که در آن عوامل ساختاری و کارکردی دارای وحدت و تجانس بوده و از هویتی یگانه و تجزیه‌ناپذیر برخوردار باشد.
  - ویژگی‌های کلیدی:
    - ساختار: ناحیه جغرافیایی دارای ساختار فضایی مشخصی است که شامل عناصر طبیعی و انسانی مانند زمین، آب و هوا، پوشش گیاهی، تراکم جمعیت، فعالیت‌های اقتصادی و فرهنگی می‌شود.
    - کارکرد: ناحیه جغرافیایی دارای کارکردهای مشخصی است که بر اساس تعاملات بین ساختارها و نیروهای محرک شکل می‌گیرد.
    - هویت: ناحیه جغرافیایی دارای هویتی یگانه است که آن را از سایر مناطق متمایز می‌کند. این هویت می‌تواند بر اساس ویژگی‌های فرهنگی، تاریخی، اقتصادی یا سیاسی شکل بگیرد.
  - مقیاس: ناحیه جغرافیایی می‌تواند در مقیاس‌های مختلف از محلی تا بین‌المللی وجود داشته باشد.
  - تطابق با مفاهیم کلیدی جغرافیای سیاسی:
  - ناحیه جغرافیایی با مفاهیم کلیدی جغرافیای سیاسی مانند مکان، فضا، مقیاس، مرز و قلمرو همخوانی دارد.
  - تحلیل فضایی: مطالعه ناحیه جغرافیایی به تحلیل فضایی و درک چگونگی سازماندهی فضا در سطوح مختلف کمک می‌کند.
  - هویت و قدرت: ناحیه جغرافیایی می‌تواند به عنوان منبع هویت و قدرت برای گروه‌های مختلف عمل کند.



دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

- (۱) قلمرو مکانی:
  - قلمرو مکانی صرفاً به فضای اشغالی توسط یک واحد سیاسی مانند دولت یا ملت اشاره دارد و الزاماً دارای وحدت و تجانس ساختاری و کارکردی نیست.
- (۲) ناحیه فرهنگی:
  - ناحیه فرهنگی به فضایی اطلاق می‌شود که در آن فرهنگ مشترکی وجود دارد، اما ممکن است فاقد وحدت ساختاری و کارکردی باشد.
- (۴) قلمرو فرهنگی:
  - قلمرو فرهنگی به فضایی اطلاق می‌شود که تحت حکومت یا نفوذ یک فرهنگ خاص قرار دارد، اما ممکن است فاقد وحدت ساختاری و کارکردی باشد.

۲۴۵. گزینه ۳

دلایل صحت گزینه ۳:

- معرفی نظریه نظام‌های جهانی: نظریه نظام‌های جهانی به بررسی ساختارها، فرآیندها و پیامدهای جهانی شدن می‌پردازد. این نظریه بر رابطه پیچیده بین کشورها، بازیگران غیردولتی و نهادهای بین‌المللی در سیستم جهانی تمرکز دارد.
- چرخه‌های کندراتیف: یکی از مفاهیم کلیدی در نظریه نظام‌های جهانی، چرخه‌های کندراتیف است. این چرخه‌ها به نوسانات بلندمدت (۵۰ تا ۷۰ ساله) در اقتصاد جهانی اشاره دارند که شامل مراحل رونق و رکود می‌شود.
- نقش چرخه‌ها: بر اساس نظریه نظام‌های جهانی، چرخه‌های کندراتیف توسط تغییرات در نوآوری‌های تکنولوژیکی، ساختارهای صنعتی و الگوهای تجارت جهانی ایجاد می‌شوند. این چرخه‌ها می‌توانند تأثیرات قابل توجهی بر اقتصاد، سیاست و جامعه در سراسر جهان داشته باشند.

تطابق با مفاهیم کلیدی جغرافیای سیاسی:

- نظریه نظام‌های جهانی با مفاهیم کلیدی جغرافیای سیاسی مانند مقیاس، فضا، قدرت، جهانی شدن و نابرابری همخوانی دارد.
- تحلیل چرخه‌های کندراتیف به درک چگونگی تغییر ساختار قدرت جهانی در طول زمان و تأثیر آن بر کشورهای مختلف کمک می‌کند.
- نظریه نظام‌های جهانی به بررسی چالش‌ها و فرصت‌های ناشی از جهانی شدن برای کشورها و جوامع می‌پردازد.

دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

- (۱) نظریه وابستگی:
  - این نظریه بر رابطه نابرابر بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه تمرکز دارد و به طور خاص به چرخه‌های کندراتیف نمی‌پردازد.
- (۲) نظریه میدان متحد:
  - این نظریه به تلاش برای ایجاد یک نظریه واحد در علوم اجتماعی می‌پردازد و ارتباطی با چرخه‌های کندراتیف یا جغرافیای سیاسی ندارد.
- (۴) نظریه دولت رفاه:
  - این نظریه به بررسی نقش دولت در ارائه رفاه اجتماعی می‌پردازد و به طور خاص به چرخه‌های کندراتیف یا جغرافیای سیاسی نمی‌پردازد.

۲۴۶. گزینه ۲

دلایل صحت گزینه ۲:

- معرفی نظریه مگالاپولیس: ژان گاتمن، جغرافیدان فرانسوی، در دهه ۱۹۵۰ نظریه مگالاپولیس را برای توضیح رشد و توسعه نوارهای متراکم شهری در اروپا و آمریکای شمالی ارائه کرد.
- منطقه شمال شرقی آمریکا: گاتمن از این نظریه برای تحلیل منطقه شمال شرقی ایالات متحده، که شامل شهرهای پرجمعیت مانند بوستون، نیویورک، فیلادلفیا و واشنگتن دی سی است، استفاده کرد.
- ویژگی‌های مگالاپولیس: بر اساس نظریه گاتمن، مگالاپولیس دارای ویژگی‌های زیر است:
  - رشد طولی: مگالاپولیس به جای تمرکز در یک نقطه، به صورت نوار طولی از شهرها و مناطق شهری توسعه می‌یابد.
  - تراکم بالا: مگالاپولیس دارای تراکم جمعیت بالا و فعالیت‌های اقتصادی متنوع است.

- ارتباطات قوی: مگالاپولیس از طریق شبکه‌های حمل و نقل و ارتباطات قوی به هم مرتبط است.
  - تطابق با مشاهدات در شمال شرقی آمریکا:
  - نظریه مگالاپولیس گاتمن به خوبی با الگوی توسعه شهری در منطقه شمال شرقی ایالات متحده مطابقت دارد.
  - این منطقه دارای نوار طولی از شهرهای پرجمعیت است که به هم مرتبط هستند و فعالیت‌های اقتصادی متنوعی را در خود جای داده‌اند.
  - دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:
  - (۱) نظریه آیکنوگرافی:
    - این نظریه به نمادپردازی در جغرافیا می‌پردازد و ارتباطی با رشد و توسعه شهری ندارد.
  - (۳) نظریه سیوکولاسیون:
    - این نظریه به روند سکولاریزاسیون در جوامع می‌پردازد و ارتباطی با رشد و توسعه شهری ندارد.
  - (۴) نظریه سرزمین‌های حاشیه‌ای:
    - این نظریه به مناطق حاشیه‌ای در اقتصاد جهانی می‌پردازد و ارتباطی با رشد و توسعه شهری در منطقه شمال شرقی ایالات متحده ندارد.
۲۴۷. گزینه ۳)
- دلایل صحت گزینه ۳:
- مفهوم جغرافیای قدرت: جغرافیای قدرت شاخه‌ای از جغرافیای سیاسی است که به توزیع و اعمال قدرت در فضا می‌پردازد. این شاخه از جغرافیا به بررسی چگونگی استفاده از فضا برای کسب، حفظ و اعمال قدرت توسط افراد، گروه‌ها و دولت‌ها می‌پردازد.
  - تمرکز بر تأمین بودجه حزب و معاملات پنهانی: جغرافیای قدرت به عوامل مختلفی که بر توزیع و اعمال قدرت در فضا تأثیر می‌گذرانند، از جمله منابع مالی، شبکه‌های ارتباطی و ساختارهای نهادی می‌پردازد.
  - ارتباط با تأمین بودجه حزب و معاملات پنهانی: تأمین بودجه حزب و معاملات پنهانی می‌توانند به عنوان ابزارهایی برای کسب، حفظ و اعمال قدرت در نظر گرفته شوند. جغرافیای قدرت به بررسی چگونگی استفاده از فضا برای تسهیل این فعالیت‌ها می‌پردازد.
  - تطابق با مفاهیم کلیدی جغرافیای سیاسی:
  - جغرافیای قدرت با مفاهیم کلیدی جغرافیای سیاسی مانند مقیاس، فضا، قدرت، مرز و قلمرو همخوانی دارد.
  - مطالعه جغرافیای قدرت به درک چگونگی شکل‌گیری روابط قدرت در سطوح مختلف، از محلی تا بین‌المللی، کمک می‌کند.
  - این شاخه از جغرافیا به بررسی تأثیر قدرت بر فضا و نحوه استفاده از فضا برای اعمال قدرت می‌پردازد.
  - دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:
  - (۱) جغرافیای حمایت:
    - این شاخه از جغرافیا به حمایت‌های مالی و سیاسی که از بازیگران مختلف در نظام سیاسی می‌شود، می‌پردازد.
    - جغرافیای حمایت به طور خاص بر تأمین بودجه حزب و معاملات پنهانی تمرکز ندارد.
  - (۲) جغرافیای رفتاری:
    - این شاخه از جغرافیا به رفتار انسان در فضا می‌پردازد.
    - جغرافیای رفتاری به طور خاص بر مسائل مربوط به قدرت تمرکز ندارد.
  - (۴) جغرافیای انتخابات:
    - این شاخه از جغرافیا به فرایندها و پیامدهای انتخابات در فضا می‌پردازد.
    - جغرافیای انتخابات به طور خاص بر تأمین بودجه حزب و معاملات پنهانی تمرکز ندارد.
۲۴۸. گزینه ۲)
- دلایل صحت گزینه ۲:
- تعریف حصارکشی پارلمانی: حصارکشی پارلمانی به فرایندی اطلاق می‌شود که در آن حزب سیاسی یا ائتلافی از احزاب کنترل پارلمان را به دست می‌آورد و از آن برای ترویج منافع خود و اعمال سیاست‌های مورد نظر خود استفاده می‌کند.
  - عناصر کلیدی: حصارکشی پارلمانی شامل عناصر مختلفی از جغرافیای سیاسی مانند طبقه، منازعه، حکومت، دارایی و زمین می‌شود.
    - طبقه: حصارکشی پارلمانی می‌تواند تنش‌های طبقاتی را تشدید کند، زیرا احزاب سیاسی برای جلب حمایت گروه‌های مختلف طبقاتی رقابت می‌کنند.





- **منازعه:** حصارکشی پارلمانی می‌تواند منجر به **منازعه** بین احزاب سیاسی و همچنین بین احزاب و سایر بازیگران سیاسی شود.
- **حکومت:** حصارکشی پارلمانی می‌تواند نقش و قدرت حکومت را تغییر دهد، زیرا حزبی که اکثریت را در پارلمان دارد، نفوذ قابل توجهی بر تصمیم‌گیری‌های دولتی خواهد داشت.
- **دارایی:** حصارکشی پارلمانی می‌تواند بر **توزیع دارایی** و منابع در جامعه تأثیر بگذارد، زیرا حزبی که اکثریت را در پارلمان دارد، می‌تواند از قدرت خود برای تخصیص منابع به نفع هواداران خود استفاده کند.
- **زمین:** حصارکشی پارلمانی می‌تواند بر **استفاده از زمین و توسعه فضایی** تأثیر بگذارد، زیرا حزبی که اکثریت را در پارلمان دارد، می‌تواند از قدرت خود برای تعیین نحوه استفاده از زمین و منابع فضایی استفاده کند.

**تطابق با تحولات تاریخی:**

- حصارکشی پارلمانی نقش مهمی در تحولات تاریخی بسیاری از کشورها ایفا کرده است.
  - به عنوان مثال، در انگلستان، حصارکشی پارلمانی در قرن هجدهم به ظهور نظام دو حزبی و توسعه دموکراسی پارلمانی کمک کرد.
  - در ایالات متحده، حصارکشی پارلمانی در قرن نوزدهم به تقویت قدرت کنگره و محدود کردن قدرت رئیس جمهور کمک کرد.
- دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:**

**(۱) دولت صنفی:**

- دولت صنفی به سیستمی اطلاق می‌شود که در آن قدرت سیاسی بین گروه‌های صنفی مختلف تقسیم می‌شود.
- دولت صنفی به طور خاص بر همه عناصر جغرافیای سیاسی ذکر شده در سوال تمرکز ندارد.

**(۳) دفاع از تابعیت:**

- دفاع از تابعیت به سیاستی اطلاق می‌شود که در آن یک دولت از منافع شهروندان خود در خارج از کشور محافظت می‌کند.
- دفاع از تابعیت به طور خاص بر همه عناصر جغرافیای سیاسی ذکر شده در سوال تمرکز ندارد.

**(۴) سرمایه‌داری صنعتی:**

- سرمایه‌داری صنعتی به سیستمی اقتصادی اطلاق می‌شود که در آن تولید کالاها و خدمات توسط ماشین‌ها و کارگران مزدبگیر انجام می‌شود.
- سرمایه‌داری صنعتی به طور خاص بر همه عناصر جغرافیای سیاسی ذکر شده در سوال تمرکز ندارد.

۲۴۹. گزینه ۴)

**دلایل صحت گزینه ۴:**

- **مفهوم نظریه قرارداد:** نظریه قرارداد، که به پیمان اجتماعی نیز معروف است، بیان می‌کند که حکومت بر اساس توافق بین حاکمان و مردم مشروعیت پیدا می‌کند.
- **چشم‌پوشی از آزادی:** بر اساس این نظریه، شهروندان در ازای امنیت و خدمات ارائه شده توسط حکومت، از بخشی از آزادی‌های خود چشم‌پوشی می‌کنند.
- **مبنای مشروعیت:** نظریه قرارداد مبنای مشروعیت حکومت را توافق بین مردم و حاکمان می‌داند.
- **نقش آزادی:** در این نظریه، آزادی به عنوان ارزش مهمی تلقی می‌شود، اما مطلق نیست و تا حدی که با امنیت و نظم اجتماعی مغایرت نداشته باشد، قابل اعمال است.

**تطابق با مفاهیم کلیدی جغرافیای سیاسی:**

- نظریه قرارداد با مفاهیم کلیدی جغرافیای سیاسی مانند قدرت، مشروعیت، دولت، حاکمیت و حقوق شهروندی همخوانی دارد.
  - مطالعه این نظریه به درک چگونگی شکل‌گیری دولت، نقش شهروندان در نظام سیاسی و رابطه بین دولت و مردم کمک می‌کند.
  - نظریه قرارداد به توجیه محدودیت‌های آزادی در چارچوب یک نظام سیاسی مشروع می‌پردازد.
- دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:**

**(۱) نظریه نظام طبیعی:**

- این نظریه بیان می‌کند که حکومت بر اساس قوانین طبیعی مشروعیت پیدا می‌کند و نیازی به توافق بین مردم و حاکمان نیست.
- نظریه نظام طبیعی شهروندان را ملزم به چشم‌پوشی از آزادی خود در ازای اطاعت از حاکمان نمی‌داند.

**(۲) نظریه حق الهی:**

- این نظریه بیان می‌کند که حکومت از طرف خداوند مشروعیت پیدا می‌کند و حاکمان مطلق‌العنان هستند.
- نظریه حق الهی نقشی برای توافق بین مردم و حاکمان در نظر نمی‌گیرد و آزادی را به عنوان ارزش مهمی تلقی نمی‌کند.

- (۳) نظریه میدان متحد:
  - این نظریه به تلاش برای ایجاد یک نظریه واحد در علوم اجتماعی می‌پردازد و ارتباطی با مشروعیت حکومت یا آزادی شهروندان ندارد.
- ۲۵۰. گزینه ۳)
  - دلایل صحت گزینه ۳:
    - نقش هویت فضایی: هویت فضایی به احساس تعلق افراد به یک مکان خاص و تمایز آن مکان از سایر مکان‌ها اشاره دارد.
    - نقش هویت فرهنگی: هویت فرهنگی به مجموعه باورها، آداب و رسوم، سنت‌ها و ارزش‌های مشترک یک گروه از مردم اشاره دارد.
    - پیوند هویت فضایی و فرهنگی: هویت فضایی و فرهنگی به طور جدایی ناپذیری با یکدیگر مرتبط هستند.
    - ویژگی‌ها و ارزش‌های مشترک مکانی مانند تاریخ، زبان، مذهب، چشم‌انداز و معماری نقش اساسی در ایجاد و تقویت هویت فضایی دارند.
    - این ویژگی‌ها و ارزش‌ها احساس تعلق به مکان را در افراد تقویت می‌کنند و مبنای شکل‌گیری هویت فرهنگی در آن مکان می‌شوند.
  - مثال:
    - ساکنان یک روستا ممکن است هویت فضایی قوی به روستای خود داشته باشند، زیرا این روستا دارای تاریخ مشترک، زبان، مذهب، چشم‌انداز و معماری منحصر به فردی است.
    - این ویژگی‌ها و ارزش‌های مشترک احساس تعلق به روستا را در ساکنان آن تقویت می‌کنند و مبنای شکل‌گیری هویت فرهنگی در آن روستا می‌شوند.
  - تطابق با مفاهیم کلیدی جغرافیای سیاسی:
    - این سوال به رابطه بین مکان، فرهنگ و هویت می‌پردازد که مفاهیم کلیدی در جغرافیای سیاسی هستند.
    - درک این رابطه به تحلیل مسائل مختلف مانند ناسیونالیسم، قومیت، جدایی‌طلبی و مهاجرت کمک می‌کند.
  - دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:
    - (۱) مشارکت دموکراتیک:
      - مشارکت دموکراتیک به فعالیت شهروندان در فرآیندهای سیاسی اشاره دارد.
      - به طور مستقیم با هویت فضایی و فرهنگی مرتبط نیست، اگرچه می‌تواند به تقویت هویت دموکراتیک در یک مکان کمک کند.
    - (۲) همکاری و مساعدت متقابل:
      - همکاری و مساعدت متقابل به کمک و حمایت افراد از یکدیگر اشاره دارد.
      - به طور مستقیم با هویت فضایی و فرهنگی مرتبط نیست، اگرچه می‌تواند به ایجاد حس جامعه در یک مکان کمک کند.
    - (۴) ادراک هویت فضایی:
      - ادراک هویت فضایی به نحوه درک افراد از هویت یک مکان اشاره دارد.
      - این عنصر مهمی در پیوند هویت فضایی و فرهنگی است، اما به تنهایی نمی‌تواند این پیوند را ایجاد کند.
- ۲۵۱. گزینه ۴)
  - دلایل صحت گزینه ۴:
    - نقش تاریخی جغرافیدانان: جغرافیدانان در طول تاریخ، در کنار مطالعه و پژوهش در مورد مکان‌ها و فضاها، نقش‌های مختلفی در رابطه با حکومت‌ها ایفا کرده‌اند.
    - نقش سیاست‌گذاری: جغرافیدانان با تخصص و دانش خود می‌توانند در سیاست‌گذاری‌های مختلف به حکومت‌ها مشاوره ارائه دهند.
      - این سیاست‌گذاری‌ها می‌تواند در زمینه‌های مختلفی مانند برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، مدیریت منابع طبیعی، دفاع ملی و سیاست خارجی باشد.
    - نقش کارگزاری: جغرافیدانان می‌توانند در سطوح مختلف اجرایی حکومت به عنوان کارگزار فعالیت کنند.
      - این فعالیت‌ها می‌تواند شامل جمع‌آوری و تحلیل داده‌های جغرافیایی، تهیه نقشه، برنامه‌ریزی برای پروژه‌های توسعه‌ای و اجرای سیاست‌های دولتی باشد.

مثال‌ها:

- در دوران باستان: جغرافیدانان در نقش راهنمایان پادشاهان و ارتش‌ها عمل می‌کردند و با دانش خود از مکان‌ها و فضاها به آنها در تصمیم‌گیری‌های نظامی و سیاسی کمک می‌کردند.
- در دوران مدرن: جغرافیدانان در سازمان‌های دولتی مختلف مانند سازمان نقشه‌برداری، سازمان هواشناسی، وزارت دفاع و وزارت امور خارجه فعالیت می‌کنند و از تخصص خود برای حل مسائل مختلف استفاده می‌کنند.
- تطابق با مفاهیم کلیدی جغرافیای سیاسی:
- جغرافیای سیاسی به رابطه بین قدرت، فضا و سیاست می‌پردازد.
- فعالیت جغرافیدانان به عنوان سیاست‌گذار و کارگزار حکومت، نمونه‌ای از این رابطه است.
- جغرافیدانان با دانش و تخصص خود می‌توانند به درک بهتر مسائل سیاسی و ارائه راهکارهای مناسب برای حل آنها کمک کنند.

دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

- (۱) مطالعه و پژوهش:
  - مطالعه و پژوهش اولین قدم در بسیاری از فعالیت‌های جغرافیدانان است، اما به تنهایی نقش آنها را در رابطه با حکومت به طور کامل نشان نمی‌دهد.
- (۲) اجرایی و سیستمی:
  - جغرافیدانان در برخی موارد در اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های دولتی نقش دارند، اما این نقش اصلی‌ترین وظیفه آنها در رابطه با حکومت نیست.
- (۳) منتقد حاکمیت:
  - برخی از جغرافیدانان به نقد سیاست‌های دولتی می‌پردازند، اما این فعالیت نقش اصلی همه جغرافیدانان در رابطه با حکومت نیست.

۲۵۲. گزینه (۱)

دلایل صحت گزینه ۱:

- تعریف نظام سیاسی تک‌ساخت: در نظام سیاسی تک‌ساخت، قدرت به طور متمرکز در سطح ملی در اختیار دولت مرکزی قرار دارد.
- نقش دولت‌ها و نهادهای محلی: در این نظام، دولت‌ها و نهادهای محلی از قدرت و اختیارات محدودی برخوردارند و تحت نظارت و کنترل دولت مرکزی فعالیت می‌کنند.
- تعریف و کنترل نقش آفرینی: دولت مرکزی نقش آفرینی دولت‌ها و نهادهای محلی را تعریف و کنترل می‌کند.
- این امر از طریق قوانین، مقررات و دستورالعمل‌های صادر شده توسط دولت مرکزی انجام می‌شود.

مثال:

- جمهوری اسلامی ایران نمونه‌ای از یک کشور با نظام سیاسی تک‌ساخت است.
- در این نظام، دولت مرکزی در تهران قدرت را در دست دارد و استان‌ها و شهرستان‌ها توسط فرمانداران و سایر مقامات منصوب از سوی دولت مرکزی اداره می‌شوند.
- شوراهای شهر و روستا نیز در این نظام وجود دارند، اما از قدرت و اختیارات محدودی برخوردارند و تحت نظارت دولت مرکزی فعالیت می‌کنند.

تطابق با مفاهیم کلیدی جغرافیای سیاسی:

- مفهوم تمرکز قدرت: نظام سیاسی تک‌ساخت بر مبنای تمرکز قدرت در سطح ملی است.
- مفهوم تمرکززدایی: در مقابل، نظام‌های سیاسی فدرال و خودمختار بر مبنای تمرکززدایی قدرت و اعطای اختیارات بیشتر به دولت‌ها و نهادهای محلی هستند.
- مفهوم کنترل دولت مرکزی: در نظام سیاسی تک‌ساخت، دولت مرکزی نقش اساسی در کنترل و نظارت بر فعالیت‌های دولت‌ها و نهادهای محلی دارد.

دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

- (۲) نظام سیاسی خودمختار:
  - در نظام سیاسی خودمختار، دولت‌ها و نهادهای محلی از قدرت و اختیارات گسترده‌ای برخوردارند و تا حد زیادی مستقل از دولت مرکزی عمل می‌کنند.

- (۳) نظام سیاسی دولت محلی:
  - در نظام سیاسی دولت محلی، قدرت در سطح محلی متمرکز است و دولت مرکزی نقش محدودی دارد.
- (۴) نظام سیاسی فدرال:
  - در نظام سیاسی فدرال، قدرت بین دولت مرکزی و دولت‌های ایالتی تقسیم می‌شود.
  - دولت‌های ایالتی در این نظام از قدرت و اختیارات قابل توجهی برخوردارند و تا حد زیادی مستقل از دولت مرکزی عمل می‌کنند.

۲۵۳. گزینه ۳)

دلایل صحت گزینه ۳:

- ماهیت جنگ سرد: جنگ سرد یک مبارزه ایدئولوژیک بین دو بلوک شرق و غرب بود، اما در نهایت به یک رقابت نظامی تبدیل شد.
- اهمیت قدرت نظامی: در این دوران، قدرت نظامی به عنوان مهم‌ترین ابزار برای اعمال قدرت و نفوذ در سطح جهانی تلقی می‌شد.
- نقش قلمروهای ژئواستراتژیک: قلمروهای ژئواستراتژیک در دوران جنگ سرد بر اساس اهداف نظامی تعیین می‌شدند.
  - این قلمروها شامل مناطق دارای منابع طبیعی استراتژیک، موقعیت‌های ژئوپلیتیکی مهم و پایگاه‌های نظامی بودند.
  - کنترل این قلمروها به کشورها برتری نظامی و قدرت سیاسی در سطح جهانی می‌داد.

مثال‌ها:

- رقابت بر سر تسلیحات هسته‌ای: دو بلوک شرق و غرب در طول جنگ سرد در رقابت تسلیحاتی شدیدی برای ساخت و انباشت تسلیحات هسته‌ای به سر می‌بردند.
- ایجاد پیمان‌های نظامی: دو بلوک شرق و غرب پیمان‌های نظامی متعددی مانند ناتو و پیمان ورشو را برای تقویت قدرت نظامی خود و محاصره رقیب ایجاد کردند.
- جنگ‌های نیابتی: دو بلوک شرق و غرب از نیروهای نیابتی در جنگ‌های مختلف در سراسر جهان مانند جنگ ویتنام و جنگ کره حمایت می‌کردند.
- تطابق با مفاهیم کلیدی جغرافیای سیاسی:
  - مفهوم ژئوپلیتیک: ژئوپلیتیک به رابطه بین قدرت، فضا و سیاست می‌پردازد.
  - مفهوم قدرت نظامی: قدرت نظامی یکی از مهم‌ترین مولفه‌های قدرت در سطح جهانی است.
  - مفهوم قلمرو ژئواستراتژیک: قلمرو ژئواستراتژیک به منطقه‌ای گفته می‌شود که به دلیل اهمیت نظامی، سیاسی یا اقتصادی خود دارای ارزش استراتژیک بالایی است.
  - دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:
- (۱) اهداف اتمی: اهداف اتمی بخشی از اهداف نظامی بودند، اما به تنهایی نمی‌توانند اساس تعیین قلمروهای ژئواستراتژیک را تبیین کنند.
- (۲) اهداف اقتصادی: اهداف اقتصادی در دوران جنگ سرد نیز مهم بودند، اما اهمیت آنها به اندازه اهداف نظامی نبود.
- (۴) اهداف استعماری: اهداف استعماری در دوران جنگ سرد تا حد زیادی از بین رفته بود و دیگر نقش تعیین‌کننده‌ای در سیاست‌های جهانی نداشت.

۲۵۴. گزینه ۱)

دلایل صحت گزینه ۱:

- انتقادات مکتب فرانسوی: مکتب فرانسوی جغرافیا، که عمدتاً توسط پاول ویدال دی لا بلاش پایه‌گذاری شد، رویکردی انتقادی به آثار فردریک راتزل داشت.
- تمرکز بر انسان و فرهنگ: مکتب فرانسوی جغرافیا بر اهمیت انسان و فرهنگ در شکل‌گیری فضاها جغرافیایی تأکید می‌کرد، در حالی که راتزل بیشتر بر عوامل فیزیکی و ژئودترمینیسم تمرکز داشت.
- نقد جبرگرایی: مکتب فرانسوی جغرافیا جبرگرایی راتزل را که انسان را موجودی منفعل در برابر محیط می‌دانست، نقد می‌کرد.
- تأکید بر تنوع: مکتب فرانسوی جغرافیا بر تنوع فضاها جغرافیایی و تأثیر متقابل انسان و محیط تأکید می‌کرد، در حالی که راتزل بیشتر بر قوانین کلی حاکم بر فضاها جغرافیایی تمرکز داشت.

مثال:

- ویدال دی لا بلاش در کتاب خود به نام "جغرافیای انسانی (۱۹۱۸)" به نقد آراء راتزل پرداخت و استدلال کرد که فرهنگ و فعالیت‌های انسانی نقش اساسی در شکل‌گیری فضاهای جغرافیایی دارند.  
تطابق با مفاهیم کلیدی جغرافیای سیاسی:
- مفهوم مکتب‌های فکری در جغرافیا: مکتب‌های فکری مختلف در جغرافیا، دیدگاه‌های متفاوتی در مورد رابطه انسان، فضا و قدرت ارائه می‌دهند.
- مفهوم جبرگرایی: جبرگرایی، دیدگاهی است که معتقد است اعمال انسان توسط عوامل خارج از اراده او تعیین می‌شود.
- مفهوم انسان‌گرایی: انسان‌گرایی، دیدگاهی است که بر اهمیت انسان و نقش او در شکل‌گیری جهان تأکید می‌کند.

دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

۲) آلمان:

- در حالی که برخی از جغرافیدانان آلمانی به انتقاد از آراء راتزل پرداختند، مکتب غالب جغرافیا در آلمان در آن زمان تا حد زیادی از آثار راتزل متأثر بود.

۳) انگلستان:

- برخی از جغرافیدانان انگلیسی مانند هالفورد مک‌کیندر از برخی ایده‌های راتزل مانند اهمیت موقعیت ژئوپلیتیکی استفاده می‌کردند، اما در مجموع مکتب انگلیسی جغرافیا دیدگاه‌های متفاوتی با راتزل داشت.

۴) روسیه:

- جغرافیدانان روسی در آن زمان بیشتر به مطالعات منطقه‌ای می‌پرداختند و کمتر به نظریه‌های کلی جغرافیایی مانند آراء راتزل توجه می‌کردند.

۲۵۵. گزینه ۴)

دلایل صحت گزینه ۴:

- تمرکز بر تضاد و نابرابری: جغرافیای سیاسی مارکسیستی بر تضادها و نابرابری‌های موجود در جامعه مانند تضاد طبقاتی، نابرابری‌های فضایی و قدرت نابرابر تمرکز دارد.
- تحلیل درگیری‌های گروهی: این رویکرد به تحلیل درگیری‌های گروهی مانند جنگ، انقلاب و جنبش‌های اجتماعی در چارچوب فضایی-زمانی می‌پردازد.
- نقش فضا در روابط قدرت: جغرافیای سیاسی مارکسیستی نقش فضا را در تولید و بازتولید روابط قدرت و تثبیت نابرابری‌ها بررسی می‌کند.
- توجه به ساختارهای اجتماعی: این رویکرد به ساختارهای اجتماعی مانند طبقات اجتماعی، دولت و نظام سرمایه‌داری به عنوان عوامل تعیین‌کننده فضاهای سیاسی می‌نگرد.

مثال:

- جنگ سرد از دیدگاه جغرافیای سیاسی مارکسیستی به عنوان تضادی بین دو طبقه اجتماعی، طبقه سرمایه‌دار در بلوک غرب و طبقه کارگر در بلوک شرق، قابل تحلیل است.
- فضاهای شهری نیز از دیدگاه جغرافیای سیاسی مارکسیستی به عنوان محل تجلی نابرابری‌های فضایی مانند تمرکز ثروت در مناطق خاص و سکونتگاه‌های فقیرنشین دیده می‌شوند.
- تطابق با مفاهیم کلیدی جغرافیای سیاسی:
- مفهوم قدرت: جغرافیای سیاسی مارکسیستی قدرت را به عنوان پدیده‌ای اجتماعی که در ساختارهای اجتماعی و روابط فضایی ریشه دارد.
- مفهوم نابرابری: این رویکرد بر نابرابری‌های فضایی مانند تمرکز ثروت، قدرت و فرصت‌ها در فضاهای مختلف تأکید می‌کند.
- مفهوم تضاد: جغرافیای سیاسی مارکسیستی تضاد را به عنوان موتور محرک تغییر در جامعه و فضا می‌داند.

دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

۱) جبرگرایی:

- جبرگرایی دیدگاهی است که معتقد است اعمال انسان توسط عوامل خارج از اراده او تعیین می‌شود.
- جغرافیای سیاسی مارکسیستی، بر خلاف جبرگرایی، بر نقش آژانس انسانی در تولید فضا و روابط قدرت تأکید می‌کند.

- (۲) لیبرالیستی:
    - جغرافیای سیاسی لیبرالیستی بر نقش فرد، آزادی و بازار آزاد در شکل‌گیری فضاهای سیاسی تأکید می‌کند.
    - این رویکرد توجه کمتری به ساختارهای اجتماعی و نابرابری‌ها دارد.
  - (۳) ساختاری:
    - جغرافیای سیاسی ساختاری به نقش ساختارهای اجتماعی مانند طبقات اجتماعی، دولت و نهادهای قدرت در شکل‌گیری فضاهای سیاسی می‌پردازد.
    - با این حال، برخلاف جغرافیای سیاسی مارکسیستی، این رویکرد توجه کمتری به تضاد و درگیری‌های گروهی دارد.
۲۵۶. گزینه (۲)
- دلایل صحت گزینه ۲:
- تمرکز بر روابط نابرابر: نظریه وابستگی بر روابط نابرابر بین کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه (جهان سوم) تمرکز دارد.
    - از دیدگاه این نظریه، استثمار و وابستگی اقتصادی به کشورهای توسعه‌یافته، عامل اصلی توسعه‌نیافتگی در جهان سوم است.
  - مفهوم امپریالیسم: دیوید اسلیتر، یکی از طرفداران برجسته نظریه وابستگی، امپریالیسم را به عنوان سیستمی از سلطه که از طریق آن کشورهای توسعه‌یافته از منابع و نیروی کار کشورهای در حال توسعه بهره‌برداری می‌کنند، تعریف می‌کرد.
  - مفهوم تبادل نابرابر: اسلیتر معتقد بود که تبادل کالا بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه به نفع کشورهای توسعه‌یافته و به ضرر کشورهای در حال توسعه است.
    - این امر به فقیرتر شدن کشورهای در حال توسعه و ثروتمندتر شدن کشورهای توسعه‌یافته منجر می‌شود.
- مثال:
- استعمار: استعمار نمونه‌ای از روابط نابرابر بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه است.
    - در دوران استعمار، کشورهای توسعه‌یافته از منابع و نیروی کار مستعمرات خود بهره‌برداری می‌کردند و این امر به توسعه‌نیافتگی این کشورها منجر می‌شد.
- تطابق با مفاهیم کلیدی جغرافیای سیاسی:
- مفهوم قدرت: نظریه وابستگی به نقش قدرت در روابط بین‌الملل و توسعه اقتصادی می‌پردازد.
  - مفهوم نابرابری: این نظریه بر نابرابری‌های اقتصادی بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه تأکید می‌کند.
  - مفهوم توسعه‌نیافتگی: نظریه وابستگی توسعه‌نیافتگی را به عنوان نتیجه‌ای از روابط نابرابر بین‌المللی.
- دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:
- (۱) بعد ملی:
    - در حالی که عوامل داخلی نیز می‌توانند در توسعه‌نیافتگی نقش داشته باشند، نظریه وابستگی بر اهمیت بعد بین‌المللی تأکید می‌کند.
  - (۳) حیات اجتماعی:
    - حیات اجتماعی به ساختارها و روابط اجتماعی در یک جامعه اشاره دارد.
    - نظریه وابستگی به طور مستقیم بر حیات اجتماعی تمرکز ندارد، اما تأثیرات روابط نابرابر بین‌المللی را بر حیات اجتماعی در کشورهای در حال توسعه بررسی می‌کند.
  - (۴) حیات اقتصادی:
    - حیات اقتصادی به فعالیت‌های اقتصادی در یک جامعه اشاره دارد.
    - در حالی که نظریه وابستگی بر اهمیت حیات اقتصادی در توسعه‌نیافتگی تأکید می‌کند، اما این نظریه حیات اقتصادی را به عنوان علت اصلی توسعه‌نیافتگی نمی‌داند.
۲۵۷. گزینه (۱)
- دلایل صحت گزینه ۱:
- نقش یکپارچه‌سازی: جانستون معتقد بود که یکی از مهم‌ترین کارکردهای حکومت مدرن، یکپارچه‌سازی جامعه و ایجاد احساس وحدت ملی در میان مردم است.
  - حل تعارضات: حکومت مدرن از طریق قوانین، مقررات و نهادهای قضایی به حل تعارضات و تامین نظم عمومی در جامعه می‌پردازد.